

# سرمقاله

سی سال پیش که این بنده - با دل مشغولی‌ها و دغدغه‌هایی که برای پیراستگی و آراستگی نشر مذهبی داشتم - مجله‌ای ویژه نقد، ارزیابی آثار مکتوب و اطلاع‌رسانی در حوزه پژوهش را به مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پیشنهاد کردم و آن بزرگواران کریمانه و از سر آگاهی و با توجه به دشواری‌ها و فراز و فرودهای نشریه‌ای با این سمت و سوا این پیشنهاد را پذیرفتند، هرگز گمان نمی‌کردم سه دهه بپاید و همچنان عالمان، محققان و گرامیان قبیله قلم را همراه داشته باشد و با موفقیت نشر یابد. «نقد» در آن روزگاران به شایستگی تلقی نمی‌شد و به ویژه حوزویان چندان بدان روی خوشی نشان نمی‌دادند.

گویانکه متفکران و دردمندان و آگاهان همواره از «بلیشویی» و ناهنجاری نشر مذهبی می‌نالیدند و آرزوی سامان‌یابی آن را داشتند و حتی پیشنهاد «مجله» بل مجله‌هایی «برای نقد» ارزیابی و معرفی آثار سره از ناسره را مطرح می‌کردند و بدان تأکید می‌ورزیدند. استاد شهید مرتضی مطهری که حقاً و انصافاً آن بزرگ و بزرگوار در «سلسله محییان» منورترین چهره روزگار ماست و هیچ آگاه از جاری‌های زمان، سهم شگرف و مؤثر او را در گره‌گشایی‌های فکری و سامان‌بخشی‌های عقیدتی نمی‌تواند انکار کند، از جمله دلمشغولی‌ها و دردمندی‌هایش فقدان «انتقاد صحیح» در جامعه بود. آن بزرگوار به شدت نگران آشفته‌بازار نشر بود و انتقاد را عامل پیشرفت و حرکت می‌دانست و آرزو می‌کرد که «کتابها انتقاد شود» و نابسامانی‌های پژوهش و نشر سامان یابد و از اینکه در آن روزگاران مجله‌ای ویژه نقد نشر می‌شده و کتاب‌ها «با کمال بی‌غرضی» انتقاد می‌شده است اظهار خرسندی می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱۳ / ص ۲۰۹ به بعد، به ویژه ص ۲۱۳ و نیز بنگرید به جشن نامه آیت الله ابراهیم امینی، ص ۹۷۹ به بعد و نیز یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱۳ / ص ۲۷۳

استاد محمدرضا حکیمی از روزگاران دور از آشفتگی نشر رنج می بردند و بر سلامت دانش و پژوهش نشر در جامعه، به ویژه جامعه مذهبی و روحانی تأکید می کردند و از سال ۱۳۴۳ در مقدمه «کتاب ماندگار سرود جهش ها» تا دهه های بعد یکسر بر آن تأکید کردند.<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای نیز در این زمینه فراوان گفته و راهنمایی کرده اند و ما در چندین و چند شماره آینه پژوهش در سرمقاله ها از راهنمایی های ارجمند و آن بزرگوار بهره برده ایم. یکی از موضوعاتی که ایشان فراوان بدان تأکید کرده اند و درباره آن راهنمایی هایی روشنگرارائه داده اند، موضوع کتاب، پژوهش، دانش، نشر و کتاب است که در این بین به «نقد کتاب و ضرورت آن» و ضرورت نشر «مجلاتی ویژه نقد کتاب و اطلاع رسانی» تأکید کرده اند.<sup>۳</sup> از جمله اینکه فرموده اند: «اگر من بخواهم در این زمینه حدس بزنم باید بگویم شاید بیست برابر نقدی که در این مجلات چاپ می شود ( الان در بعضی مجلات قم و تهران به نقد کتاب پرداخته می شود) در حال حاضر لازم است؛ یعنی چندین مجله مخصوص نقد لازم داریم. (۱۳۷۲/۲/۲۰)

قرآن کریم در آموزه ای راهگشا به مؤمنان فرموده اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا...<sup>۴</sup>

و نیز فرمودند: هان مومنان تقوی پیشه کنید و سخنی استوار بگویید.

... فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا<sup>۵</sup>

تقوی پیشگی، خدامحوری و بر پایه چهارچوب های رفیق و استوار و الهی حرکت کردن، لازمه اش استواراندیشی، استوارگویی و استوارکاری است. حضرت آیت الله جوادی آملی به درستی بر این نکته تنبیه داده اند که:

مواردی که قرآن کریم «به قول سدید» فرمان می دهد، مرادش تنها سخن درست نیست، بلکه کنایه از هر نوع کار است و چون سخن گفتن بارزترین فعل انسان است، عبارت «قول» انتخاب شده است.<sup>۶</sup>

۲. محقق ارجمند حضرت آقای محمد اسفندیاری که از پخته نویسان و سخته نگاران روزگار ماست، دغدغه و آرمان ها و فریادهای حضرت استاد را در کتاب ارجمند و بسیار خواندنی «راه خورشیدی. اندیشه نامه و راه نامه استاد محمدرضا حکیمی» به خوبی نمایانده اند. ص ۳۱۹ به بعد، فصل انتشارات دینی. حضرت اسفندیاری خود نیز بارها بر آنچه آمد تأکید کرده اند و ... از جمله بنگرید: مقاله از بهر خدا منویس، آینه پژوهش شماره ۳۳.

همین جا قدرشناسی را یادآوری کنم که دوست عزیز و فرزانه ما اولین همراه ما در آینه پژوهش بودند؛ با ویراستاری شماره های آغازین و نگارش مقاله های خواندنی و ممتع و سودمند و کارآمد.

۳. کتاب و کتابخوانی در آینه رهنمودهای مقام معظم رهبری ص ۲۹ به بعد و کتاب «کتاب، رهیافتی به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب درباره کتاب» ص ۴۷۳ به بعد.

۴. احزاب: ۷

۵. نساء: ۹

۶. تفسیر تسنیم، ج ۱۷، ص ۴۴۷.

اساساً مگر بدون اندیشیدن درست و استوار می‌توان سخن درست گفت و استوار عمل کرد؛ بدین سان فرمان خداوند این است که در گستره زندگی:

«فکر سدید»، «گفتار سدید»، «و عمل سدید» داشته باشید. مواضع استوار و ایستارهای درست قطعاً از اندیشیدن استوار سرچشمه می‌گیرد.

رسول الله (ص) فرمود:

... وَلِكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ.

... لکن خداوند بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری انجام دهد آن درست و استوار انجام

دهد.<sup>۷</sup>

نیازی بر توضیح و تأکید نیست که دین و آموزه‌های ثقلین به آگاهی و آگاهی‌گستری تأکید می‌کنند و در این میان بر اندیشه سالم و فکر استوار و عرضه معارف اصیل بیشتر از دیگر ابعاد زندگی پای می‌فشارند.

یکی بنگرم که در تفسیر آیه:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا.<sup>۸</sup>

امام باقر (ع) فرموده‌اند:

... وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى...

هدایت یک انسان و رماندن او از غرقاب ضلال همسوست با هدایت تمام انسانها...<sup>۹</sup>

حضرت باقر (ع) در تفسیر آیه: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ<sup>۱۰</sup> فرمودند:

إِلَى عِلْمِهِ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ<sup>۱۱</sup>

استاد شهید مرتضی مطهری تفسیر بسیار خواندنی و تأمل برانگیز از این آیه به دست داده‌اند و ضمن بازنمایی ابعاد آیه و تفسیر «طعام» به غذای روح که باید در آن دقیق بود و درباره آن تحقیق کرد، با توجه به روایاتی، آیه را نشان‌گریزی از اصول تربیتی دانسته‌اند و بر این نکته اشاره کرده‌اند که از «نظر»، دقت و تأمل مراد شده است؛ یعنی هر کسی باید در مورد علم‌هایی که فرا می‌گیرد، تدبیر کند و مقصود را درک کند و...<sup>۱۲</sup>

۷. امالی صدوق، ۳۴۴؛ الحیة، ج ۱، ص ۴۹۵. توضیح حدیث را در الحیة بنگرید.

۸. مانده: ۳۲

۹. الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰

۱۰. عبس: ۲۴

۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

۱۲. یادداشتهای استاد مطهری، ج ۱۳، ص ۳۷۹ به بعد و همان، ص ۴۰۴ به بعد.

و امام حسن مجتبی (ع) فرمودند:

عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَبِّتُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُدْعُ صَدْرَهُ  
مَا يُؤْذِيهِ.

شگفتا از آنکه درباره خوراک تن خود می اندیشد، اما در خوراک خرد خود اندیشه نمی کند. از آنچه به شکم اش زیان می رساند تن می زند، ولی آنچه جاننش را فاسد می کند می پذیرد.<sup>۱۳</sup> عالمان، محققان و نویسندگان مرزبانان اندیشه، تفکر، باور و ایمان مردم هستند و روشن است که مرزبانی نیازمند آگاهی از زمان، ابزار مرزبانی، آشنایی به هجوم و شیبخون و ...

دشمن، دشمن است و مسلح به ابزار دشمنی. مرزبان هرگز نمی تواند در سنگر مرزبانی از سر غفلت به خواب رود و یا از خلأها و منفذهای سنگرش آگاهی نداشته باشد؛ چرا که روشن است رقیب بیدار است و حاضر به یراق و به تعبیر بسیار تنبّه آفرین و تأمل برانگیز قرآن کریم (= خناس آنکه بسیار می رود و می آید و...) در مقابله دشمنی آکنده از کینه و مسلح به انواع و ایزار گمراهی آفرین نمی توان آسوده بود و یا سهل انگار یا سست عمل و ... یکی بنگریم که پیشوای راستین ائمت در تنبهی برای همیشه روزگار فرمود:

... وَإِنَّ أَحَا الْحَرْبِ الْأَرْقَ وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ [نامه ۶۲]

به راستی آن کس که همواره با جنگ همراه و همراز است هرگز به خواب نمی رود (و از دشمن غافل نمی ماند) و کسی که بخوابد و غافل بماند دشمن در مقابل او بیدار است و از او غافل نمی ماند.<sup>۱۴</sup>

چنین است که باید تاکید کنیم که آموزه‌هایی دینی در پژوهش و نشر سفارش کننده به استواری، استحکام، صلابت و رسایی و زیبایی و چشم نوازی است که از سر آگاهی از نیاز و با توجه به جایگاه مرزبانی به خامه آمد.

این همه را - که به تفصیل گرایید و تأمل در چه و چه های نشر و ضرورت های پیراستگی و پاسداشت حق جامعه، باعث درازدانی سخن شد - آوردیم تا بگوییم آموزه های الهی چه سان و چگونه بر سلامت و استواری آنچه به تعبیر استاد شهید مطهری «غذای روح» است تأکید می کنند.<sup>۱۵</sup>

بگذاریم و بگذریم ... و بگوییم و تأکید کنیم که «آینه پژوهش» آهنگ «بهسازی پژوهش و نشر» را

۱۳. الدعوات: ۱۱۴، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۸

۱۴. نهج البلاغه، ترجمه علی اصغر فقیهی، نامه ۶۲، قم: نشر ادبیات، ۱۳۹۶

۱۵. سالهای آغازین نشر مجله آینه پژوهش، نشر مجله بگومگوهایی را رقم زد و برخی «نقد» را نوعی غیبت تلقی می کردند و لذا ناروا و برخی نیز عیبجویی تلقی می دانستند. در جمعی که از اینگونه مسائل سخن می رفت، زنده یاد حضرت آیت الله ابراهیم امینی (رضوان الله تعالی علیه) فرموده بودند نقد حق جامعه است. اگر در نگاشتنی به هر جهت سخن ناروا و موضوعی ناپخته مجال نشر یافت و به دست جامعه رسید، این حق جامعه است که کسانی به انگیزه استوارسازی و نیز نمودن ناهنجاری، آن حقیقت را بپراکنند. (راهنمای آینه پژوهش، ص ۸)

داشت از طریق نقد، اطلاع‌رسانی و ...

اکنون که ۱۸۰ شماره از آن نشر یافته است، پشته‌پشته مقاله، پژوهش و گزارش و تحلیل در صفحات زرین آن مجال نشر یافته است. اگر روزی بانیان «آینه پژوهش» همت ورزند و با عنوان کتاب «آینه» در موضوعاتی مختلف مجموعه‌هایی را نشر دهند، آنگاه دانسته خواهد آمد که تا چه میزان حضور «آینه پژوهش» در ساحت دانش و پژوهش کارآمد بوده است.

زنده‌یاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از آنکه شصت عنوان کتاب نشر داد، کتابی پرداخت آموزنده و خواندنی با عنوان «خودمشت مالی» و در آغاز گفته‌اند که من پیش‌تر و بیشتر از هر کس دیگری خود به لغزش‌ها، نارسایی‌ها و باید و نبایدهای آثارم پرداخته‌ام و ... در این کتاب در واقع می‌خواهم روش و ترتیب نگارش مقالات تاریخی را بیان کنم ...<sup>۱۶</sup> به مثل مواردی را نشان داده‌اند که به حافظه تکیه کرده‌اند و بعد روشن شده است که نادرست بوده است. پس محقق باید به سند و مستند مراجعه کند و آن هم دقیق و بدون اندکی سهل‌انگاری و ...<sup>۱۷</sup>

بدین سان توان گفت بسیاری از مقالات «آینه پژوهش» روش‌شناسی پژوهش و آسیب‌شناسی تحقیق و عرضه دانش است. مقالات بسیاری در وضعیت‌شناسی دانش‌ها در صفحات مجله مجال نشر یافته است؛ تاریخ، دانش کلام، تفسیر، حدیث و ...

نقد و بررسی ترجمه‌های مختلف نیز از جمله پژوهش‌های نشر یافته دیگری است که شایان توجه است. «آینه پژوهش» از آغاز نشر فراز و فرودهایی داشته است و نیز رویارویی‌هایی گوناگون. کسان بسیاری ستودند و کسانی نیز از آن روی که «نقد» به‌گونه‌ای عیب‌جویی و «کاستی گسترده» است بر آن طعن زدند و کسانی نیز مواردی را بهانه قرار داده کمابیش گرد و خاک راه انداختند.

اکنون و سپاس خدای را «آینه» مسیر خود را یافته است و مورد توجه عالمان و محققان قرار گرفته است. بدان گونه که برخی از مقالات روزگاری طولانی در نوبت نشر می‌مانند و بانیان مجله شرمنده عزیزانی می‌شوند که از سر لطف مقاله‌ها را برای نشر به مجله سپرده‌اند. این همه در حالی است که بر پیشانی مجله آینه پژوهش عنوان «علمی - پژوهشی» ننشسته و «آینه» را از اینکه ارتقاء‌نامه باشد بر حذر داشته و از این روی مقاله‌هایی با دو سه بل‌گاه با چهار اسم نداشته و ندارد و به دیگر سخن مقاله‌ها «تک مؤلف» است.

اکنون که سخن بدین جا رسید، اجازه دهید لختی خامه را بر این حالت بگریانم و مرثیه‌ای در این قصه پر غصه بسرایم و بگویم که اسفا و اندوها! اکنون در مواردی بسیار [= از اندک مواردی که سخت‌گیرانه و هوشمندانه مقاله چاپ می‌کنند اعتذار می‌جویم] مجلات از یک سو محل داد و ستد شده‌اند و

۱۶. خودمشت مالی، ص ۲۶

۱۷. همان، ۱۱۲ به بعد

مواردی جایگاه درآمد و گاهی ارتقاء نامه و تماما با مقالاتی «بسیار بچاپ!!». شگفتا که همگان این همه را می دانند و بر چگونگی این تاراجگری علم مویه می کنند، اما ...

این بنده در جلسه ارزیابی مقالاتی حضور داشتم. دانسته آمد که مقاله ای را استادی!! با دانشجویی چاپ کرده اند (= چاپیده اند) که استاد هیچ گونه تخصص که نه، اطلاعاتی در آن زمینه نداشت و چون چگونگی یکی دو منبع را از راه دور پرسیدند که در مقاله مورد استفاده قرار گرفته بود نمی شناختند!!

شاید یکی از راه حل ها این باشد که برای موارد لازم از استاد و دانشجو مقاله بگیرند و مقاله را در شورایی سخت گیرانه ارزیابی کنند و پس از دست یافتن به امتیاز بپذیرند چاپ شود یا نه!! یا دانشگاه ها و دانشکده ها مجموعه هایی را با موضوعاتی روزآمد و کارآمد طراحی کنند و مقالات را بر پایه محتوای پایان نامه ها و تخصص استادان به آن سوی هدایت کنند و پس از گردآمدن مقالاتی در قامت کتابی مفرد نشر دهند که گامی خواهد بود در رشد دانش و پژوهش و راهی برای جلوگیری از آفت ها و آسیب ها و ...

«آینه پژوهش» برآیند کشش ها و کوشش ها، بزرگی ها و بزرگواری ها، لطف ها و مهرورزی ها و نیک اندیشی ها و باریک بینی بسیاری از «ارجمندان قبیله قلم» است که از سردانش دوستی و به انگیزه بهسازی پژوهش و نشر، نتیجه دقت ها و درنگریستن ها در میراث مکتوب و چگونگی های دانش و پژوهش و تأمل ها و پژوهش های خود را برای نشر به مجله سپردند و به واقع «بانیان مجله» و خوانندگان ارجمند مجله را نواخته اند.

بدین سان «فضل و فضیلت» از آن آنهاست و بانیان مجله، خادم و ناشر آثار آن عزیزان و گرامیان هستند و انشاء الله با صداقت و امانت داری.

این همه را گفتم این را هم بیفزایم که بانیان مجله از نشر مقالات به ویژه نقدها جز خدمت به بهسازی پژوهش و نشر انگیزه ای نداشته و صد البته نگارندگان پژوهش ها و نقدها... از این رو امیدواریم اگرگاه اندکی درشت گویی یا تیزی و تندی به نگاشته ها راه یافته، نیک اندیشان «قبیله قلم» ما را معذور دارند.

بارها گفته و نوشته ایم که زنده یاد استاد ایرج افشار که بهتر از هر کس نقش آفرینی مجلات را می دانست و دشواری ها و سختی های نشر را... و بزرگوارانه تجربه ها و راهنمایی های راهگشایش را در اختیار ما می گذاشت، پس از نشر چند شماره این بنده را در دیداری نواختند، لطف ها کردند و راهنمایی ها و فرمودند: حوزه باید خیلی پیش تر این کار را انجام می داد. دیر، اما خوب و استوار، اما مهم تداوم آن است و اگر مدتی بپایند [یادم نیست گفتند ده سال بیشتر و یا کمتر که در موردی نوشته ام] آن گاه معلوم خواهد شد که... روحش شاد که اینک مجله سی سالگی خود را نیز گذراند و امیدوارم همچنان بپاید.

به رسم ادب بارها در سرمقاله‌ها و نگاشته‌ها [ از جمله در سرآغاز راهنمای آینه پژوهش، نمایه ۱۲ ساله آینه پژوهش] از کسانی که در نشر «آینه پژوهش» نقش آفرینی کرده‌اند یاد کرده‌ام. اکنون بیفزایم که کسانی از آن عزیزان رخ در نقاب کشیده‌اند و ما از حضورشان محرومیم: زنده‌یادان و روان‌شادان حضرت آیت‌الله عباپی در جایگاه ریاست دفتر تبلیغات که پشتیبانی‌ها و دلگرمی‌های آن بزرگوار در آغازین شماره‌ها که مجله با سمت و سوی نقد در حوزه دشواری‌هایی داشت بسیار کارساز بود.

محمد جواد عظیمی عزیز از دست رفته جمع ما دوستان خراسانی. او همکار سالیان مجله حوزه و بعد آینه پژوهش و پژوهشگر ارجمند حوزه هنر و تاریخ هنر بود و حضورش بسیار سودمند و کارآمد.

محمد جواد صاحبی، پژوهشگر و مورخ هوشمند تاریخ معاصر که در آغازین جلسات طراحی مجله حضور داشتند و جمع ما از راهنمایی‌ها وی بهره برد.

دوست محقق و نویسنده و فاضل و نیک‌اندیش روزگار ما حضرت رضا بابایی که سالیان سال مجله را ویراستاری کردند و با نگاشتن مقاله‌هایی سودمند و نقدهایی کارآمد مجله را می‌نواختند. آن عزیز از دست رفته پس از دوران همکاری نیز گاه مقاله‌های نقدی می‌نوشتند. مرحوم بابایی دوستی خوش محضر، خوش سخن، نیکوسیرت و مهرورز بود و بدرود او دل‌های بسیاری را فسرد.

رضوان الهی از آن همه این عزیزان که اینک در میان ما نیستند و نام و یاد گرانقدر آنان همواره با ماست. سخن آخر که آخرین سخن نخواهد بود و باز هم سپاس و احترام به عزیزانی است که با نگاشتن، راهنمایی‌کردن، هدایت‌ها و راهگشایی‌هایی به یاری ما شتافته‌اند، به ویژه محققان و پژوهشگران و نقادان گرانقدر و نام‌آشنایی که نتایج سودمند تحقیق و پژوهش‌های آنها زینت بخش صفحات مجله بوده و انشاء الله خواهد بود.

و بالاخره باید از همکاران عزیز در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مانند همیشه به نیکی یاد کنم. از مدیرمسئول فرهیخته مجله حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سبحانی، استاد عالیقدر و محقق باریک‌بین روزگار ما. ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی به پاس همدلی‌ها، پشتیبانی‌ها و بزرگواری‌ها. دانشمند ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزیایی، ریاست سختکوش و کار بلد و ارجمند پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به پاس حمایت‌های بی‌دریغ. بیفزایم که با نیک‌اندیشی این بزرگوار نشر الکترونیکی مجله مجال بیشتری یافت و عملاً پیش‌تر و بیشتر از پیش در مجامع علمی دنیا حضور یافت.

دبیر تحریریه ارجمند نشریه آقای اسماعیل مهدوی راد که شیفته مجله است و با شیدایی به استواری و بلندآوازی و کارآمدی مجله یاری می‌رساند و با ارتباطاتی بسیار خوب با محققان و عالمان قبيله قلم

در نشرشایسته آینه پژوهش می‌کوشد و از هیچ تلاش سودمند و کرامندی دریغ نمی‌کند.

و در نهایت بگویم که اینک مجله پس از سی سال با پیشنهادهای بسیار و درخواست‌های مکرر خوانندگان و علاقه‌مندان بزرگوار مجله از این شماره در قامتی دیگر و با هیئتی شاید چشم‌نوازتر و به‌گونه‌ی وزیری نشر می‌یابد که امیدواریم قبول افتد و در نظر آید.

والله من وراء القصد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی